

سرطان خبيثه

همه میدانند که سرطان خبيثه يك مرضی است که اکثراً انسانها به آن مبتلا میشوند و طب امروزی با وجود پیشرفت هایش از درمان آن عاجز میباشد.

اما متأسفانه کشور ما را هم اختلافات سیاسی، زبانی، قومی، سمتی و غیره از يك طرف و مداخلات کشور های خارجی بخصوص کشور های همسایه از طرف دیگر امروز به این مریضی مبتلا نموده که مردم ما و حتی جهانیان از تداوی آن عاجز میشوند.

ازین که این اختلافات و زمینه مداخله خارجی ها را چه کسانی و چه گروه هائی بوجود آورده اند به همه معلوم است و حاجت به تکرار ندارد. اگر در کشور ما يك زعيم ملی و یا يك رهبر ملی واقعی موجود میبود این اختلافات حل میشد و یا اصلاً بوجود نمی آمد، مداخله خارجی ها صورت نمی گرفت و مریضی کشور ما به سرطان مزمن و خبيثه تبدیل نمی گردید.

کشور های خارجی و کشور های همسایه هر يك منافع خود شانرا میخواهند و حق هم دارند که برای منافع کشور های شان از هر نوع امکانات استفاده نمایند. آنها برای منافع خود شان اختلافات داخلی را در کشور ما دامن زدند، در امور کشور مداخله کردند و کشور را اشغال کردند. یعنی منبع اصلی این مرض همسایگان ما، پاکستان، ایران، شوروی سابقه و امریکا و عمال افغانی آنها میباشد که این مرض را به کشور ما انتقال داده اند.

چون کشور ما با پاکستان روی مسائل سرحدی اختلاف دارد و علاوه از ابتدای جهاد تا حال وطن ما بزرگترین منبع عایداتی برای پاکستان میباشد و شاید کمک هائی را که دولت پاکستان در ظرف تقریباً سی و پنج سال اخیر از سبب نا آرامی های کشور ما بدست آورده به مراتب زیادتر از عواید ملی پاکستان باشد و حالا هم کمک هائی را که پاکستان از امریکا و متحدین آن از سبب نا آرامی های وطن ما حاصل میکند به مراتب زیاد تر از کمک امریکا و متحدینش به کشور ما میباشد. بناً پاکستان به هیچ صورت حاضر نیست تا در وطن ما امنیت و استقرار بوجود بیاید و يك دولت مستقل قوی تشکیل گردد و منافع پاکستان از بین برود. پاکستان به برکت همین کمک ها از سبب بحران وطن ما صاحب بم اتمی گردید. رئیسان جمهور پاکستان از زمان علی جناح تا حال، هر کدام اگر به کشور ما خیانت هم نموده اند باز هم برای پاکستان بهترین رئیسان جمهور بودند و در هر حال منافع کشور شان را در نظر گرفته اند. همین اکنون دولت پاکستان يك دولت قوی است، اگر هر عضو القاعده و یا طالبان را خواسته باشد میتواند در ظرف يك روز دستگیر و یا به امریکا تسلیم نماید اما آنها نمی خواهد که این بازی شطرنج را ختم و منبع عایداتی را برخورد مسدود نماید. پاکستان به اصطلاح پول خود را میگیرد و علاوه ازین که برای برقراری صلح در افغانستان اقدامی نمی کند بواسطه عمال و نوکران افغانی شان کوشش میکند تا این مریضی وطن ما تا حدی که امکان دارد ادامه پیدا کند.

منفعت های اقتصادی ایران هم در کشور ما کمتر از منفعت های کشور پاکستان نیست. علاوه از اختلافات دیرینه ایران با کشور ما، منافع اقتصادی ایران، موجودیت امریکا در منطقه و روابط لسانی و مذهبی ایران با بعضی اقوام در کشور ما سبب میشود که ایران در امور داخلی کشور ما مداخله نموده و از آمدن ثبات و يك دولت قوی در کشور ما جلوگیری نماید.

مداخله ایران در وطن ما به اندازه عمیق است که حتی رئیس جمهور ما را به خدمت شان استخدام نموده اند. آقای کرزی خودش اعتراف میکند که سالانه يك یا دو بار مبلغ پنج یا شش صد هزار آيرو از دولت ایران دریافت میکند. آیا گرفتن این پول توسط آقای کرزی از دولت ایران شرم آور تر از آن عطیه نیست که امیر عبدالرحمن خان از وایسرای هند بدست می آورد. اقلأ عطیه را که امیر عبدالرحمن خان بدست می آورد آشکار بود و از مزد آقای کرزی کسی آگاه نبود.

آیا آقای کرزی در بدل این پول هیچ خدمتی را به ایران انجام نمی دهد؟ هرگاه رئیس جمهور ما که به اصطلاح در زیر دالر غرق است در خدمت ایران و جیره خوار ایران باشد طبعاً اشخاص زیاد دیگری هم وجود دارند که در خدمت ایران بوده و جیره خواران ایران میباشدند.

این يك رسوائی بزرگ در تاریخ رؤسای جمهور دنیا میباشد، دیده شود که جامعه بین المللی و مردم کشور ما با این رسوائی چه نوع معامله میکند.

امریکا که بنام مبارزه با القاعده و طالبان به منطقه آمده بود و دولت طالبان را هم سقوط داده، به عوض اینکه با القاعده در خاک پاکستان مبارزه کند از کشور ما با القاعده مبارزه میکند و از کشور ما خارج نمی شود. همه میدانند که امریکا اصلاً از سبب کنترل مواد نفت و گاز آسیای میانه و معادن کشور ما که ارزش آن به تریلیون ها دالر میرسد کشور ما را اشغال نموده و نمی خواهد که این کشور مناسب در منطقه را ترک نماید.

کشور های روسیه و چین هم نمی توانند موجودیت امریکا را در منطقه نادیده بگیرند و از معادن خداداد وطن ما صرف نظر نمایند. علاوهً امریکا هم برای اینکه در منطقه باقی بماند باید به کشور های چین و روسیه هم مانند کشور های ایران و پاکستان در افغانستان امتیازاتی بدهد که این امر مشکل و مریضی کشور ما را پیچیده تر میسازد.

کشور ما با معادن سرشار (که حالا ارزش آن هم معلوم گردیده) و با موقعیت جغرافیائی آن برای همه این کشور ها حیثیت گاوی شیری یا مرغ طلائی را پیدا کرده است و چون منفعت این کشور ها در نا آرامی کشور ما است بناً هیچ يك از این کشور ها نمی خواهند که وضع وطن ما آرام شود. حتی این کشور ها در مورد آینده کشور ما با هم به موافقه رسیده اند تا همه مشترکاً بصورت دوامدار از وضع نا آرام و بی اتفاقی مردم ما نفع ببرند.

این کشور ها در وطن ما شرایطی را بوجود آورده اند تا مردم متحد نشوند و يك دولت مستقل و قدرتمند تشکیل نگردد. این کشور ها از يك طرف یکده زیاد مردم هر قوم و هر گروه را نوکر خود ساخته اند که آنها منافع باداران شان را با لا تر از منافع کشور شان میدانند و از طرف دیگر اقوام و گروه ها را چنان به جان همدیگر انداخته اند که غیر از تخریب همدیگر در فکر نجات کشور شان نیستند و حتی بعضی گروه ها از نام افغان و افغانستان هم ننگ و عار دارند.

ایران، پاکستان و دیگر کشور ها در هر وقت و زمان رهبران، پادشاهان یا رؤسای جمهوری داشتند که کشور های شانرا در وقت بحران نجات داده اند اما متأسفانه در کشور ما مخصوصاً درین نیم قرن اخیر رهبران و قهرمانانی پیدا شدند که اقوام را متفرق و کشور را تباه کردند.

اگر با وجود اختلافات داخلی، تنها امریکا و ناتو کشور را اشغال میکردند و کشورهای همسایه در امور کشور ما مداخله نمی کردند امکان نجات و امید نجات موجود بود اما فعلاً که مداخله و نقش ایران و پاکستان در کشور ما نسبت به امریکا زیاد تر است، قضیه افغانستان در داخل يك دایره خبیثه میچرخد و موضوع خیلی پیچیده است، بناً خارج شدن ازین دایره شیطانی و نجات کشور کار آسان و ساده ای نیست.

کوشش هایی که به نام های جرگه ملی صلح و آشتی ملی از طرف دولت کرزی و یا دیگر دولت ها صورت میگیرد صرف برای فریب مردم و سپری نمودن وقت و استفاده شخصی از بودجه این جرگه ها میباشد.

چندی قبل زندانی شدن ملا برادر نفر دوم طالبان در پاکستان، و تسلیم نکردن وی به امریکا و باز آزاد ساختن ملا برادر از زندان بدون کوچکترین عکس العمل امریکا همه نشان میدهد که در زیر کاسه نیم کاسه های زیادی وجود دارد و اگر طالبان به صلح حاضر شوند یا نشوند و یا در دولت اشتراک کنند یا نکنند صلح و آرامی در کشور ما تا وقتی بوجود نمی آید که امریکا، ایران و پاکستان بصورت دسته جمعی از مداخله در کشور ما دست کشیده و کشور ما را ترک نمایند و موضوع را صرف به خود افغانها واگذار شوند.

چون صرف نظر نمودن این سه کشور از کشور ما نظر به منافع دایمی شان و سرمایه گذاری هایی که برای اشغال کشور ما از ابتدای جهاد مقابل روسها تا حال نموده اند نا ممکن به نظر میرسد و اکثریت ملت هم به علت بیسوادی و یا فقر اقتصادی صرف در غم پیدا کردن نان هستند و این توطئه های خارج را درک نمی کنند و یا اگر درک کنند هم از دست شان کدام کاری پوره نیست و طبقه تحصیل کرده و یا به اصطلاح روشن فکر هم در خدمت دیموکراسی و کشور های خارجی غرق و متفرق هستند، بناً در شرایط فعلی هیچ راهی برای در مان این مریضی خبیثه وجود ندارد مگر اینکه خداوند(ج) که شافی حقیقی است کشور ما را از بین مریضی نجات دهد. چون خداوند(ج) وضع و حال هیچ قوم را تغییر نمیدهد تا اینکه آنها نفس های خود را تغییر ندهند و مردم ما نمیتوانند نفس های خود را تغییر دهند بناً به عوض مایوس شدن دعا می کنیم که خداوند(ج) خودش اول نفس های ما را اصلاح نماید و بعد از آن وضع و حال کشور و ملت ما را بسوی خوبی و رفاه تغییر بدهد.

پایان

د پائو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی